



در دهه‌های اخیر قاتلان زنجره‌ای بسیاری بوده‌اند که اسم و آوازه و شرح جنایت‌هایشان تیت‌ر یک روزنامه‌ها شده و پس از مدتی هم از یادها رفته‌اند. در این میان آنچه بر اصغر قاتل گذشت به دو دلیل هنوز از یادها رفته است. ابتدا اینکه نامش به عنوان نخستین قاتل زنجره‌ای ایران ثبت شده و دوم آنکه رکورد جنایتش بعد از گذشت ۸۶سال از لحظه اعدامش، هنوز شکسته نشده است؛ طبق مستندات تاریخی او در عرض ۱۲ سال سر بیش از ۳۳ کودک و نوجوان را پس از آزار و اذیت و شکنجه می‌برد و در خرابه‌های اطراف تهران راه می‌کند. به نقل از اهالی تهران قدیم، وحشت از او در سال‌های ۱۳۱۲ تا ۱۳۱۳ آن چنان بوده که پای‌زندگی در پایتخت فلج و کوچ‌های تهران از صدای بچه‌ها تهی می‌شود. وقت اعدام او به تاریخ ۶ تیر سال ۱۳۱۳، در میدان سپه تهران، جای سوزن انداختن نبوده است. در این روز نه تنها تمام تهران که مردم ولایت اطراف هم آمده بودند، آن هم نه برای اینکه از تماشای اعدامی لذت ببرند، بلکه تا ترس می‌آمدند تا مگر با چشم ببینند و باور کنند که او را گرفته‌اند. اوبی که تا سال‌ها پس از اعدامش هم هر وقت کودکی گم می‌شد، مادران فریاد می‌زدند: «اصغر قاتل بر گشته است».

علی اصغر بروجردی ایرانی تباری بوده که همراه مادر و برادرش، راهی عراق می‌شوند تا رحل اقامتشان را برای همیشه در این دیار پهن کنند. آن هم فقط برای حفظ آبرو؛ پدر علی اصغر درد سرگردنه بگیری بوده که پیش از به دنیا آمدنش به دلیل قتل ۴۱ مسافر اعدام می‌شود. این قصه تا سال‌ها تنها روایتی بوده که او از مادرش می‌شنیده و با آن خود را به ماندن در خاک نقیضه عراق عادت می‌داده است. اما از یک جایی که هیچ کس چرای‌اش را نمی‌داند دستش آلوده به خون می‌شود. ۱۴ اتمام نکرده بود که به خاطر اذیت و آزار یک پسر بچه عراقی دستگیر و برای مدتی سایه‌نشین زندان بغداد می‌شود. پس از آزادی برای خودش بساط آجیل فروشی تهیه می‌کند و دم مکتب‌خانه‌ها به پسر بچه‌ها آجیل می‌فروشد اما دستش از آزار و اذیت و شکنجه کودکان بر نمی‌دارد و تا بیست‌وهفت سالگی چند باری را به خاطر این جرم به زندان می‌رود. اصغر قاتل از اینجا به بعد تصمیم می‌گیرد هر وقت کودکی را آزار داد برای در امان ماندن از دست گربه‌ها او را بکشد و این می‌شود آغاز قتل‌های نخستین قاتل زنجره‌ای ایران.

در اعتراضاتش با تاکید به اینکه «خیلی‌هایشان یادم نیست»، به قتل ۲۵ بچه در عراق اعتراف می‌کند: «غالب جنازه‌ها را دفن و بعضی را هم در شط غرق می‌کردم و به قدری ماهر بودم که به هیچ‌وجه آثار و علامتی باقی نمی‌گذاشتم.» اواما پس از این از ترس شناسایی شدن فرار کرده و به ایران بر می‌گردد تا از آن به بعد خواب بر مردم پایتخت حرام شود.

هر چند ماه و گاهی هر چند روز جسد تکه‌تکه و بی‌سر پسر بچهای در گوشه‌ای از شهر پیدا می‌شود. ترس سینه مادرها را چنگ می‌کشد و گزرمه‌ها صبح را به شب و شب را به صبح می‌دوزند تا مگر ردی از قاتل پیدا نکنند؛ قاتلی که خودش را در لباس‌های چر کم‌رُدمردی بامیه‌فروش پنهان کرده و هیچ‌کس چاقوی خونین زیر لباسش را نمی‌بیند. اصغر قاتل در دور جدید قتل‌هایش، طعمه‌های خود را از میان نوجوانان شهرستانی انتخاب می‌کند. پسرانی که در پی کار راهی پایتخت می‌شدند اما پس از مدتی به هوای دریافت پول، خرید لباس و یا خوردن وعده‌ای غذا فریب او را می‌خورند. اینچنین می‌شود که اصغر، در کمتر از چند ماه هشت کودک و نوجوان پسر را در تهران به قتل می‌رساند بی‌آنکه ظن کسی را بیدار کند.

نخستین قتل در ساعت ۱۰ صبح روز یکشنبه دهم دی‌ماه ۱۳۱۲ به اداره تأمینات گزارش می‌شود. خبر می‌رسد که سری بریده در خرابه منطقه شترخان نزدیکی قریه نجف‌آباد پیدا شده است. گروهی از مأموران فورا راهی محل شدند و سری بریده را در وسط چهار طاقی قسمت شرقی خرابه کشف کردند که با آلت بُرنده قطع و چشم‌های آن را بیرون آورده بودند. جست‌وجو برای یافتن جسد مقتول آغاز شد و ساعتی بعد در دو متری محل مزبور، جسد که به کلی عریان و از رو در پناه دیوار دفن شده بود به دست آمد. ادامه جست‌وجوها برای یافتن لباس‌های مقتول وردی از قاتل، به کشف ۲ جسد دیگر انجامید که همگی متعلق به افرادی کمتر از ۲۰ سال بود. پس از این است که هر چند وقت جنازه بی‌سری یا پیکر بی‌تنی در گوشه‌ای سر از خاک در می‌آورد.

ظهر روز دهم اسفندماه ۱۳۱۲ بود که مأموران در حوالی چاه‌های قنات امین‌آباد، به مردی میان‌سال برمی‌خورند که یک پیت حلبی و یک سینی با مقداری بامیه برای فروش به همراه دارد. استسطاق می‌شود و اعتراف می‌گیرند که بامیه‌فروش است. مأموران با در تفتیش وسایلش، یک دست لباس خونی و یک قبضه چاقو به دست می‌آورند و او را بازداشت می‌کنند. ساعاتی بعد معلوم می‌شود او کسی نیست جز علی اصغر بروجردی قاتل زنجره‌ای تهران. او در دوران محاکمه‌اش که پیوسته از سوی جراید پوشش داده می‌شده به قتل‌هایی اعتراف کرد که شمارشان به عدد ۳۳ می‌رسید اما تاکید می‌کرد که بیشتر آنان را از یاد برده است.

روایت‌ها می‌گویند روز ششم تیر ۱۳۱۳، اصغر قاتل تا وقتی که از در اداره تشکیلات نظمیه بیرون نیامده بوده، بیمی نداشته و تصور می‌کرده به خاطر کشتن چند بچه بی‌خانمان اعدام نمی‌شود ولی همین که از در نظمیه بیرون می‌آید و بسیاری جمعیت را می‌بیند، به عجز و لایه می‌افتد و می‌گوید: «دو گوسفند نذر می‌کنم اگر از این وضعیت نجات پیدا کنم.» اما دیگر دیر شده است. چند دقیقه بعد از اولاشه‌ای کیبود باقی می‌ماند که در تکانه‌های باد، می‌لرزد.

شهرکار

روزنامه شهرامید وزندگی

شنبه ۵ تیر ۱۳۱۳ ۲۳ شهریور ۱۳۱۳

SHAHRRANNEWS.IR

۱۲

اولاد

۳پرده از یک جرم پرتکرار

متهمان ۳پرونده سرقت از خانه ها و خودروهای مردم در مشهد به دام قانون افتادند

مهدی قرآنی
m.ghorani@shahraranews.ir

● پرده اول: مسافرکش جهمی

دیرش شده بود و باید هر چه سریع‌تر خودش را به بیمارستان می‌رساند. یک پراید جلوی پایش ترمز زده و بعد از چک و چانه زدن سر کرایه سوار شد. تا به بیمارستان برسند هر دو، راننده و مرد جوان سیر تا پیماز زندگی‌شان را برای همدیگر تعریف کردند. راننده جوان از گرانی قطعات خودرو و بنزین می‌گفت و مرد جوان هم از گرانی و تورم. مقابل بیمارستان پیاده شد و آن شب تاصبح بیمارستان ماند. صبح خسته و کوفته به خانه رسید. در حیاط و در اتاق‌ها همگی باز بودند. دیشب قبل از رفتن به بیمارستان همه راها را قفل کرده بود. اتاق به هم ریخته بود و ال.سی.دی و چرخ خیاطی که تنها وسیله ارزشمند زندگی‌اش بودند از داخل خانه غیب شده بودند.

موضوع را به پلیس گزارش کرد. طولی نکشید که مأموران کلانتری خلق‌آباد خود را به محل رساندند. مأموران معتقد بودند که سارق از زمان نبودن او خبر داشته، چرا که همه‌جای خانه مرد جوان را زیر و رو کرده بود. خوشبختانه خانه مجهز به دوربین مداربسته بود و زمان سرقت ثبت شده بودند. مرد جوان با مشاهده فیلم دوربین‌ها به پلیس گفت که سارق را جایی دیده است اما هر چه به ذهنش فشار می‌آورد یادش نمی‌آمد. در همین میان ناگهان یاد راننده جوان خودروی پراید شب قبل حادثه افتاد. فیلم‌های دوربین‌ها دروغ نمی‌گفتند. سارق همان راننده پرایدی بود که تا بیمارستان برایش حسابی درددل کرده بود.

موضوع خیلی زود در دستور کار دایره تجسس کلانتری خلق‌آباد قرار گرفت و رد خودروی متهم در یکی از خیابان‌های مشهد گرفته شد و راننده که مردی چهل‌وسه ساله بود دستگیر شد.

در بررسی‌های بعدی پرونده مشخص شد که این سارق حرفه‌ای دارای سابقه کیفری

سرت می‌باشد و حبس کشیده است. او در اظهارات اولیه‌اش به پلیس گفت: شاکی گفت که قرار است شب را در بیمارستان بماند و من هم متوجه خالی بودن خانه‌اش شدم برای همین وقتی او را به بیمارستان رساندم به خانه‌اش رفتم و ال.سی.دی و چرخ خیاطی که ارزش‌ترین لوازم او بودند را دزدیدم اما خیلی زود دستم رو شد و دستگیر شدم.

خودروی متهم با دستور قضایی توقیف و رونه پارکینگ شد و پرونده او نیز برای ادامه تحقیقات در اختیار مقام قضایی قرار گرفت.

● پرده دوم: سرقت به عنف

خبر سرقت یک دستگاه خودروی سواری پراید از داخل خانه یکی از شهروندان از طریق مرکز پیام پلیس به کلانتری کاظم‌آباد مشهد اعلام شد و طولی نکشید که تیم دایره تجسس کلانتری کاظم‌آباد راهی یکی از خیابان‌های توس شدند. مال‌باخته در اظهارات اولیه‌اش گفت که سارقان شبانه وارد خانه‌اش شده‌اند و بدون اینکه او متوجه شود خودروی پرایدش را به همراه ۲ دستگاه گوشی تلفن همراه و تبلتش سرقت کرده‌اند.

سرنخ‌های به جامانده از سارقان پرونده و استخراج چند دوربین مداربسته در نزدیکی این خانه مسکونی حاکی از آن بود که سارقان با یک دستگاه خودروی پراید مقابل منزل مسکونی مورد نظر توقف کرده و یکی از آن‌ها از دیوار بالا رفته و بعد از دقایقی خودروی صاحب‌خانه را سرقت کرده‌اند.

مجریان قانون با کنار هم قرار دادن قطعات پازل این پرونده رد متهم اصلی را در یکی از خیابان‌های مشهد زدند و در یک تعقیب و گریز پلیسی او را دستگیر کردند. متهم که جوانی سی‌وهفت ساله است پس از انتقال به کلانتری کاظم‌آباد بیان کرد با همدستی یکی از دوستانش خودروی شاکی را شبانه از داخل خانه‌اش سرقت کرده و بعد از چند روز آن را به

فردی فروخته‌اند.

ضابطان قضایی با استفاده از سرنخ‌های دیگر به دست آمده دومین متهم را با همکاری مأموران دایره تجسس کلانتری خواجه‌ربیع شناسایی و دستگیر کردند. در بررسی پرونده این فرد که ۳۲ سال دارد مشخص شد که دارای ۳ سابقه کیفری سرقت است.

متهمان نیز پس از تکمیل تحقیقات به دادسرا معرفی شدند و پیگیری‌های پلیس برای کشف خودروی سرقتی ادامه دارد.

● پرده سوم: پاک‌خالی پراید

مأموران کلانتری کاظم‌آباد مشهد چند روزی بود که در پی یافتن یک پراید سرقتی بودند. تحقیقات میدانی آن‌ها ادامه داشت تا اینکه یکی از تیم‌های گشتی کلانتری حین پایش منطقه در جاده خاکی انحرافی در بولوار توس به ۲مرد جوان که در کنار یک خودروی پراید نشسته بودند مشکوک شدند.

مأموران وقتی به سراغ ۲مرد رفتند، آن‌ها

مشغول داغ کردن کله‌هایشان بودند. مردان مشکوک مدعی شدند که بنزین خودروشان تمام شده و در راه مانده‌اند. اما یک جای کار آن‌ها می‌لنگید تا اینکه نتیجه استعمال پلاک خودروی مسروقه هویت واقعی این ۲مرد معتاد را فاش کرد.

پراید مورد نظر همان خودروی دزدیده شده‌ای بود که چند روز پیش سرقت آن به پلیس گزارش شده بود. مأموران بلافاصله ۲مرد جوان را دستگیر و به کلانتری کاظم‌آباد منتقل کردند.

در بررسی‌های بعدی پرونده مشخص شد که ۲مرد به دام افتاده عامل سرقت این خودرو هستند که در زمان انتقال به مخفیگاه‌هشان به دلیل تمام شدن بنزین در راه مانده‌اند. آن‌ها با این خیال که کسی از این جاده خاکی عبور نمی‌کند سرگرم استعمال موادمخدر می‌شوند که در همان لحظه مأموران پلیس سررسیده و آن‌ها را دستگیر می‌کنند.



عکس تزئینی است

● پرده آخر

فرمانده انتظامی مشهد با اعلام اینکه ۲ متهم به دام افتاده دارای سابقه کیفری هستند بیان کرد: در این ۳ عملیات ۵سارق سابقه‌دار دستگیر و با حکم قضایی راهی زندان شدند.

سرهنگ عباس صارمی ساداتی گفت: خودروی پراید سرقتی کشف شده از متهمان در راه مانده راهی پارکینگ شد و پیگیری‌ها برای شناسایی مالک این خودرو ادامه دارد.

این مقام ارشد نظامی از شهروندان خواست هرگز مسائل خصوصی زندگی خود را با افرادی که هیچ شناختی از آن‌ها ندارند در میان نگذارند. همچنین در مسائل پیشگیرانه سرقت خودرو هم شهروندان توجه داشته باشند در زمان توقف طولانی مدت حتما سیستم دزدگیر خودروی خود را فعال و تا حد‌امکان از تجهیزات امنیتی همچون قفل پدال و قفل فرمان استفاده کنند.

گلبودر آتش

با تلاش آتشنشانان، آتش ۶هکتاری مزرعه گندم در محله گلشهر خاموش شد

روز گذشته حوالی ساعت ۲۰تضایر و فیلم‌های مختلفی از دود گسترده حاصل از آتش‌سوزی مهیب در حوالی محله گلشهرمشهد در فضای مجازی دست‌به‌دست شد. به گزارش خبرنگار شهرآرا این آتش‌سوزی متعلق به زمین زراعی سی‌هکتاری گندم در انتهایی خیابان شهید آوینی۵۷بود که درنهایت با اقدام بموقع نیروهای آتش‌نشانی مشهد مهار شد. در همین راستا مدیرعامل سازمان آتش‌سوزی و خدمات ایمنی شهرداری مشهد در گفت‌وگو با شهرآرا با اشاره به سریع‌الانتشار بودن حریق مزرعه گفت:زاه دسترسی به این مزرعه گندم بسیار صعب‌العبور بود و همین موضوع دسترسی تیم اطفای حریق را با مشکل مواجه کرد. امیرعزیزی افزود: برای مهار این آتش‌سوزی همه آتش‌نشانان ایستگاه‌های ۸، ۶

و ۴،۲۰۴۱،۱۸، به محل اعزام شدند و با کمک اهالی حاضر در منطقه این حریق گسترده مهار شد. وی افزود: متأسفانه باوجود تلاش همکاران ما در سازمان آتش‌نشانی برای جلوگیری از سرایت آتش به دیگر بخش‌های زمین کشاورزی، ۶هکتار از این مزرعه سوخت. مدیرعامل سازمان آتش‌نشانی شهرداری مشهد نبود مالک این مزرعه را یکی از دلایل افزایش دور از انتظار حریق دانست و گفت: با توجه به فصل گرما کشاورزان باید بیشتر مراقب زمین‌های زراعی خود باشند و درصورت ایجاد آتش‌سوزی درهمان دقایق ابتدایی آن را مهار کنند تا دسترنج یک‌ساله‌شان از بین نرود. عزیزی تصریح کرد: خوشبختانه در این حادثه کسی آسیب ندید، اما خسارت فراوانی به محصولات کشاورزی این مزرعه وارد شد.

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۱									
۲									
۳									
۴									
۵									
۶									
۷									
۸									
۹									

جدول شماره: ۳۹۵۹
طراح: امیرعباس واسعی

مصطفی افشارنیک، رئیس مرکز مدیریت حوادث و فوریت‌های پزشکی نیشابور: دربرخورد یک دستگاه اتوبوس حامل کارکنان شرکت ایران خودرو با کامیون خاور ۲۰گانه درکیلومتر ۲۰جاده نیشابور-مشهد، اتوبوس واژگون شد. دراین سانحه یک نفرکشته و ۳۲ نفردیگر زخمی شدند.



عکس: محسن یخشنده /شهرآرا

عمودی

- جایزه سینمایی مشهور -بی‌زبان
- هنوز میل نشده -برعکس ضرر- کتف و شانه
- انتها و آخر
- پرنده‌اش سرد کن- امنیت
- عبادت و پرستش - مادر
- آرام ندارد - امر به پیدا کردن
- نان گرده
- زمینه - ذره باردار - نرخ بارداری
- تقویت رادیویی- جنین

افقی

- ورم - رختخواب و بالش
- فحش دادن - تند و سریع - گل بوته
- پرنده‌ای که به نام شد!
- پسوند شباهت - سنگ معدنی
- خواب خوش- یقین و ایمان
- همیشگی - مهد و گهواره
- اندکی
- یارسوزن- ظاهر ساختمان - نت میانی
- درشکه و ارابه - صفت بهشت

دختر گل س...	روشن خیره	ن س...	نگ س...	شاع پ...	نادر فریاد	ب ک...	فرود	ت ک...	نرگ ر...	ماه جهند
س ی...	چیره مولد	ن س...	ن س...	ر ص...	ر ص...	ا ل...	ل ه...	ا ل...	ا ل...	ا ل...
م ی...	و ه...	ن س...	ن س...	ن س...	ن س...	ن س...	ن س...	ن س...	ن س...	ن س...
ا ن...	ه م...	ن س...	ن س...	ن س...	ن س...	ن س...	ن س...	ن س...	ن س...	ن س...
ش ا...	ن ه...	ن س...	ن س...	ن س...	ن س...	ن س...	ن س...	ن س...	ن س...	ن س...
ب ا...	م ج...	ن س...	ن س...	ن س...	ن س...	ن س...	ن س...	ن س...	ن س...	ن س...
ل ج...	م ج...	ن س...	ن س...	ن س...	ن س...	ن س...	ن س...	ن س...	ن س...	ن س...
ن ر...	ی و...	ن س...	ن س...	ن س...	ن س...	ن س...	ن س...	ن س...	ن س...	ن س...
گ ر...	م ا...	ن س...	ن س...	ن س...	ن س...	ن س...	ن س...	ن س...	ن س...	ن س...
ی ر...	س ا...	ن س...	ن س...	ن س...	ن س...	ن س...	ن س...	ن س...	ن س...	ن س...
ا و...	ر د...	ن س...	ن س...	ن س...	ن س...	ن س...	ن س...	ن س...	ن س...	ن س...
ا ن...	س ا...	ن س...	ن س...	ن س...	ن س...	ن س...	ن س...	ن س...	ن س...	ن س...

پایخ جدول: ۳۹۵۸
طراح: محسن رضا علیزاده